

کردند چون با خدا کردند دیدند که آن قصص بر بالای آن چو بی
که جامه بران می اندازند در ترقی داند که این همان قیاس است
بانی چنانچه می که آنرا در وقت بود نمودند گفت والله که این همان قیاس
است که و بر آن در حق کردند **ابو قحطه** رضی الله تعالی عنده رسول
صلی الله علیه و سلم و بر او کلمی پوشانیده بود مردم بوی می آمدند ایشانرا
دعای خیری کرد و برکت می خواست آنرا از در خودی یا خند وی
در عسقلان بود و پس وی قرصه در دروم بجزارته بود هر گاه که
صبح شدی ابو قحطه از عسقلان آواز دادی با و از بلند کلامی
یا قرصه الصلوة الصلوة قرصه از بلا دروم جواب دادی که لیک
یا ایها الصحاب وی گفتندی و لیک که جواب می دی قرصه گفتی
خود را سوگند برت الکعبه و از برای نماز بیدار بکنند وی گفت است
که از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم که وی گفت هر کس شب بر بستر خود
آید پس سوره مبارک بخواند و بعد از آن چهار بار بگوید اللهم رب
الجل والحریم ورب البلد الحرام ورب المشیم الحرام بکل آیه از آنها
فی شهر رمضان بلغ روح محمد منی حقیة مسلما خدای تعالی بر او بکنند
دو فرشته را تا پیش محمد وند صلی الله علیه و سلم تا آنرا بوی بکنند
محمد صلی الله علیه و سلم که بد علی فلان بن فلان منی السلام و رحمة الله
و برکتی تا انس بن مالک **لا نصاری رضی الله عنده** گفت وی ابا
جوهان وی ده سال خدمت پیغمبر کرده صلی الله علیه و سلم چون رسول

صیغ

صلی الله علیه و سلم بمید آمد وی ده سال بود وی آنرا کسی است که سبیره
و فاخت کرد از اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم محمد بن سیرین و بر او غسل
کرد و رسول صلی الله علیه و سلم و بر او دعا کرد بکنرت مال و ولد و طول
حیات و مغفرت وی گفته است که در فضیلتی فرمای من هر سال دو
بار بر وی دهد و از هلب من صد فرزندم که دو فرزند یا یکت صد و دو
فرزند بیرون آمده است و چندان حیات یا ختم کرامات نام نهادند
و آن چهارم را که مغفرت است امید واری با شتم و روی از غمات الا
سنة و قبل انک مات این مائة و ثلث سنین و عمل مائة و سبع سنین و از
وی آرد که بزرگروی آید و گنت یا ابا جوهان ز سینه ای تو نشسته شد
و وضو ساخت و نماز گذارد و دعا کرد ابرو پاره پیدا شد و زمین و بر او
پوشید و بارید چند آنک زمین وی پر شد و این تا بتان بگفتند
غلام خود را بفرست که بر بینه که باران تا کجا رسیده است خبر آورد که
از زمینهای تو نمک نشسته است **ثابت بن قیس رضی الله عنه** وی گفته
است که در سربته بیرون آوردم ناکاه جاسوسان اعدا را دیدیم
روی در کفر آوردیم اب یکی از اصحاب یا بلغزید و بر دان وی تقاد
وران وی خود شکست چنانکه کوفی دانهای فرمای بود پس خواستیم
و بر او چهار پان و دیگر بار شنیدیم تن بان در زندان و گنت را بکنید
و بر او بکنید شنیدیم و یک شب و یک روز بر فهم ناکاه از عقب رسید
پای وی یک شده چنانکه نظر کردم بر پای وی هیچ اثری بر او نماند

King Saud

در
ابو قحطه رضی الله عنه
ابو جوهان

Copyright © King Saud University